

پدر ویاجسلاو: از کلیسا به مسجد



ویاجسلاو پولوسین سرگیویچ، کشیش سابق کلیسای ارتدوکس روسیه و رئیس کمیته شورای عالی در امور آزادی وجدان، چندی پیش گرویدن خود را به اسلام اعلام کرد. گرویدن يك روحانی نامدار ارتدوکس به اسلام، برای خیلی‌ها غیرمنتظره بود. آنها گمان می‌بردند که کشیش سابق یا مبتلا به بیماری روانی شده است و یا از روی يك حساب ظریفانه سیاسی، دست‌به‌چین کاری زده است. اما او در مصاحبه با «اخبار مسکو»، شخصا درباره انتخاب آزاد جهان بینی و انتخاب معنوی خود سخن می‌گوید.

بیوگرافی ویاجسلاو پولوسین

پولوسین ویاجسلاو سرگیویچ در سال 1956 متولد شد و در سال 1979، دانشکده فلسفه دانشگاه دولتی مسکو و در سال 1984، مدرسه روحانی مسکو را به پایان رساند. در کلیساهای آسیای میانه به عنوان کشیش خدمت کرد و بعد به حوضه منطقه‌ای کلیسای ارتدوکس روسیه به کالوگا پیوست. در سال 1990، به عنوان نماینده مردمی فدراسیون روسیه از ناحیه کالوگا برگزیده شد و ریاست کمیته شورای عالی در امور آزادی وجدان را عهده‌دار شد. در زمان کار در شورای عالی، آکادمی دیپلماتیک وزارت امور خارجه را به اتمام رساند و در موضوع " کلیسای ارتدوکس روسیه و دولت در اتحاد شوروی در سالهای 1971-1991" از تز دکترای خود دفاع کرد. از سال 1993، کارمند دوما در امور اتحادیه‌های اجتماعی و سازمانهای مذهبی بود. او در ترکیب جنبش دموکرات مسیحی و عضو شورای سازمانهای مسیحی بود. در سال 1991، از حوضه منطقه کلیسای ارتدوکس روسیه از کالوگا اخراج شد و در سال 1995، از انجام وظایف کشیشی کناره گرفت. در مصاحبه با مجله مسلمانان" (شماره 2، 3 ماه مه - ژوئن 1999) به طور رسمی خود را مسلمان نامید: "من خود را پیرو قرآن مقدس و پیغمبر محمد (ص) می‌دانم. به غیر از خدای واحد و یگانه - "الله" و محمد (ص) فرستاده او، خدای دیگری وجود ندارد".

ویاجسلاو پولوسین، نویسنده آثار علمی زیاد درباره موضوعات تاریخی، علم، دین و فلسفه است. در فوریه سال جاری، از تز دیگر خود در موضوع: "دیالکتیک افسانه و اسطوره‌شناسی" دفاع کرد. اندیشه‌های اصلی فلسفی او در کتاب "اسطوره، مذهب، دولت" گرد آمده است.

تا آنجا که من مطلع هستم، این دومین مورد در زندگی شماست که به طور رسمی در رابطه با تغییر جهان بینی خود سخن می‌گویید.

من در دوران کودکی با تمام جان و روحم به خدا ایمان آوردم. بعدا وقتی در دانشگاه مشغول تحصیل بودم، با نشریات ارتدوکس آشنا شدم. سپس به خدمت کلیسا درآمدم و در آنجا به آنچه که در دانشکده فلسفه وجود نداشت، برخورددم. من از بودن در آنجا احساس تاسف نمی‌کنم؛ زیرا خیلی چیزها در آنجا آموختم. ارسال مدارکم به مدرسه روحانی در سال 1979 و مصاحبه با مجله "مسلمانان" بعد از 20 سال، دو مرحله مهم در زندگی من بوده است.

ویاجسلاو پولوسین در مصاحبه با مجله "مسلمانان" چنین گفت:

«چندین سال کار سخت و دشوار، مرا به این نتیجه رساند که در قرآن تشبیه سازی خداوند خالق به انسان مخلوق وجود ندارد. به عبارت دیگر، در قرآن نمی‌توان به "انترپومورفیزم" که مختص بت پرستان است، برخورد و هیچ اساسی برای تشبیه سازی خداوند به يك رئیس انسانی وجود ندارد. من تصمیم گرفتم مقام اجتماعی خود را منطبق با اعتقادتم بسازم و آشکارا اعلام کنم که من خود را وابسته به سنتهای باعظمت مذهبی می‌دانم که پیغمبران و قبل از همه، ابراهیم از آنها پیروی کرده است. به این دلیل، من دیگر خودم را نه يك روحانی و نه عضو هیچ گونه کلیسای ارتدوکسی فرض نمی‌کنم... و آنچه به احتمال انتقام گرفتن مربوط می‌شود، باید بگویم که همه ما فناپذیر هستیم و دیر یا زود با این دنیای فانی وداع خواهیم کرد. پس بهتر است با دستیابی به واقعیت و نه با بودن در دوگانگی معنوی و تصورات و خیالات دست پرورده انسان، به این زندگی بدرود بگویم. در رابطه با مشکلات کاری، از جمله زبان عربی، مجبور خواهیم شد بر کمک برادران جدید خود تکیه کنیم. همسر من کاملا با این انتخاب جهان‌بینی من موافق است و آن را قبول دارد».

راه روحانی شما چگونه شکل گرفت؟

در محافل کلیسایی مسکو، من "خودی" نبودم. شرایط خانوادگی هم بر مراحل گوناگون زندگی من تاثیر گذاشتند و مرا مجبور کردند برای خدمت در آسیای میانه، تقاضای انتقال کنم. برای مدت نه‌چندان طولانی در فروزه خدمت کردم و کمی بیشتر در دوشنبه ساکن بودم. در آنجا بود که برای نخستین بار، با فرهنگ اسلامی آشنا شدم. طرز تفکر شرقی، روح من را تکان داد. پس از یکسال و نیم، به علت سرپیچی از دستورات رؤسای روحانی یا به عبارت دیگر، دست اندرکاران امور مذهبی، اوراق ثبت من لغو شد. سه سال به هیچ جا اعزام نشدم. من در وضعیت بسیار ناخنجاری بسر می‌بردم. بالاخره در سال 1988، وقتی روند دگرگون سازی آغاز شد، به من پیشنهاد کردند به محدوده اوپنینسک، به کلیسای نیمه ویرانی بروم و در آنجا خدمت کنم. از آنجا، در سال 1990، مرا به عنوان نامزد نمایندگی پارلمان فدراسیون روسیه معرفی کردند.

موضوع اسقف اعظم مسکو

اعلامیه کشیش ویاجسلاو پولوسین در رابطه با گرویدن وی به مذهب دیگر، برای اسقف اعظم مسکو کاملا غیرمنتظره بود. در بخش روابط خارجی کلیساها، اقدام او را با شخصیت و اعتقادات نامتعادلیش توضیح دادند و " تغییر نوبتی" جهان بینی او را پیش بینی کردند. در اداره اسقف اعظم مسکو، بیشتر ابراز تمایل کردند که این پرونده را ختم شده بدانند و فقط به تصمیم رئیس روحانی کشیش ویاجسلاو قناعت کنند.

آنها گمان می‌بردند که شما قصد دارید به مذهب پروتستان بگروید...

تعداد زیادی از پروتستانهای آمریکایی که در سال 1991 به روسیه آمدند، به نزد من هم آمدند. آنها پیشنهاد می‌کردند که دیدارمان را با خواندن دعا آغاز کنیم. اما من قاطعانه نسبت به چنین پیشنهادی مخالفت می‌کردم و می‌گفتم: "این جا يك مکان دولتی است و من نگهبان آزادی وجدان هستم و به این دلیل در اینجا هیچ دعایی نباید خوانده شود. من با پیروان مذهب پروتستان دوست بودم، اما نمی‌دانم این تصور که من قصد داشتم به مذهب پروتستان بگروم، از کجا سرچشمه گرفته است.

موضوع واقعی شما در رابطه با تالیف قانون جدید آزادی وجدان سال 1997 برای خیلی‌ها يك معماست. تعدادی شما را نویسنده آن می‌نامند و تعداد دیگری، به یاد می‌آورند که شما مکرراً از آن انتقاد می‌کردید.

به عنوان يك کارمند دولتی، نمی‌توانم تمام حقایق را درباره این قانون بازگویم. در نوشتن این قانون، من به عنوان یکی از 15 عضو گروه کاری، شرکت داشتم و باید بگویم که تاثیر من بر آن، خیلی کم بود. بعداً این قانون برای تصویب به دوما ارائه شد و کار روی آن آغاز گشت. می‌توانم خودم را هم مؤلف آنچه که در نتیجه این کار به دست آمد، بشمارم. اما در اینجا لازم به ذکر است که شیطانی کردن این قانون برای محافل و نیروهای لازم بود که با استفاده از جریان‌های منفی در حال وقوع در مناطق، می‌خواستند برای خود، نام و پول زیادی کسب کنند. در واقع، قانون بر اصول دولت عرفی پافشاری کرد و موقعیت را حفظ نمود.

آیا محرك شما عدم قبول ارتدوکس دولتی بود تا مذهب دیگری را جست و جو کنید؟

با کار در دستگاه دولتی، هرچه بهتر می‌دیدم که این یا آن اقدام کلیسایی و یا سیاسی، چگونه بر زندگی مردم تاثیر می‌گذارد. تعدادی سعی می‌کنند با دادن چهره الهی به مسیحیت، آن را مانند چیزی که عدم مسؤولیت قدرتمندان را سلب می‌کند، تعبیر و تفسیر کنند.

موارد مشابهی هم در دنیا اسلام مشاهده شده است‌خانها، سلطانهای ترك، دسایس درباری و غیره.

در قرآن، اصولاً قدرت "سلاطین" ممنوع است. در آنجا آمده است که اگر کسی قدرت را غصب کند و شخص مسلمانى آن را تحمل کند، او هم شريك گناه او محسوب خواهد شد. در امپراتوری عثمانی رکود فرهنگ اسلامی به وقوع پیوست - کیش جنگ طلبی، اجبار و زورگویی و برده فروشی. اسلام در آنجا باز آفریده شد. وحی به خودی خود موضوع دیگری است.

عکس العمل برادران جدید مسلمان شما نسبت به تصمیمتان چگونه بود؟

مصاحبه من با مجله "مسلمانان"، توجه و علاقه زیادی را موجب شد و ممکن است مجبور شویم چاپ تیراژ دیگری را به اتمام برسانیم.

عکس العمل رهبری دوما نسبت به تصمیم شما چگونه است؟

طبیعتاً افرادی ناراضی هستند، اما من روبل نیستم که مورد پسند همه واقع شوم. من معتقدم که کار من در دوما دچار هیچ گونه تغییری نخواهد شد. من قصد ندارم از مسیحیت انتقاد کنم. وقتی من پیرو مذهب ارتدوکس بودم، آن وقت‌شدیدا از آن انتقاد می‌کردم، اما حالا نه. همان طور که در قرآن آمده است، اسلام دموکراتیک‌ترین مذهب است؛ زیرا ظلم و ستم را ممنوع کرده است. خداوند، ارتباط مستقیم با مردم (امت) دارد و در قرآن، از هیچ گونه میانجی به شکل کشیشها و یا سلاطین یاد نشده است.

دفتر ویاجسلاو پولوسین

او در يك دفتر در دوماى كشورى همراه با مراد زرگیشف کار می‌کند. مراد زرگیشف قبلاً نماینده دوما بود و حالا کارمند اداره کمیته دوما در امور اتحادیه‌های اجتماعی و سازمانهای مذهبی است. قرآن روی میز در معرض دید قرار دارد و دیوارهای اتاق با نوشته‌هایی به زبان عربی تزیین شده‌اند. در این اتاق، پولوسین و همکارش بعضی مواقع نماز هم می‌خوانند و برای این منظور از فرش کوچکی استفاده می‌کنند. علاوه بر آن، ویاجسلاو مخالف آن است که در حین انجام کار دولتی، پیروی از اسلام را به نمایش بگذارد.

آیا شما خیال دارید به سیاست‌بزرگ باز گردید؟

فعلاً خیر. من قصد دارم از حرفه و دانستیهای خودم بیشتر برای انجام يك کار مفید اجتماعی در چارچوب اسلام استفاده کنم. می‌توانم بگویم که يك شخصیت اجتماعی و علمی اسلامی هستم و نه يك شخصیت‌سیاسی. اما آینده چه خواهد شد، فقط خداوند متعال از آن آگاه است. در سال 1990، انتخاب من به عنوان نماینده نیز غیرمنتظره بود.

منبع:

سفارت ج. ا. ا - مسکو، به نقل از «اخبار مسکو»، 1999/6/14.

الکساندر سالدانوف

مجله اسلام و غرب، شماره 27